

به هرزگی آمد

و هستی چسبنده اش به گوشه □ دیوار باغ:

تجسم بی ریشه گانِ پلشت.

نسیم رام

که تا به هرزگی اش نیست،

به ناگهان

علف به پنجه □ خشم

کند و گذشت .

نسیم رام

که تابِ هرزگی اش نیست

به باز گشتنا به زمزمه می گفت: □

غرور و شوکتِ باغ

همیشه بیدار است،

اگرچه یک علف از هر کجا که بروید

به نیشخنده بگوید

که باغ

بیمار است!

7 می 2014، واشینگتن